

کتاب ۹۱۰ واژه که باید بدانیم همراه با ترجمه

محمدعلی باباپور

۱	voracious	پر خور - سیری ناپذیر
۲	indiscriminate	بی رویه - کورکورانه - بی هدف
۳	eminent	مشهور - برجسته - سرشناس
۴	steeped	غرق در - سرشار از - آکنده از
۵	replete	پر از - مملو از - سرشار از
۶	abound	فراوان بودن - پر بودن از
۷	technology	تکنولوژی - دانش فنی - فن آوری
۸	prognosticate	پیش بینی کردن - پیش گویی کردن
۹	automaton	آدم مکانیکی - ماشین خودکار
۱۰	matron	زن سالمند - بانوی خانواده - خانم بزرگ
۱۱	paradox	پارادوکس - تناقض گویی
۱۲	realm	قلمرو - حوزه - حیطه
۱۳	annals	سالنامه - تاریخچه
۱۴	compound	افزودن - تشدید - بدتر کردن - وخیم کردن
۱۵	tinge	رنگ - ته رنگ - اثر - نشان
۱۶	badger	سرزنش کردن - نق زدن
۱۷	implore	التماس کردن - استدعا کردن
۱۸	drudgery	کار شاق - سخت
۱۹	interminable	تمام نشدنی - بی پایان
۲۰	perceive	متوجه شدن - پی بردن
۲۱	iaconic	موجز - کوتاه - کم گو
۲۲	throng	جمعیت - جماعت - جمع کثیر
۲۳	intrepid	شجاع - بی باک - جسور
۲۴	accost	نزدیک شدن - مشتری جلب کردن
۲۵	reticent	خود دار - تو دار - کم حرف
۲۶	furtive	دزدکی - یواشکی - مخفیانه
۲۷	felon	جنایتکار - جانی - تبهکار
۲۸	plethora	کثرت - زیادی
۲۹	hapless	نگون بخت - بد بخت
۳۰	irate	خشمگین - عصبانی
۳۱	pretext	عذر - بهانه - دستاویز
۳۲	fabricate	جعل کردن - ساختن - سرهم کردن
۳۳	adroit	ماهر - زرنگ - زیرک
۳۴	gesticulate	با اشاره فهماندن
۳۵	vigilant	هشیار - بیدار - مراقب
۳۶	avid	مشتاق - علاقه مند
۳۷	cajole	چاپلوسی - گول زدن

۳۸	rudimentary	ابتدایی - مقدماتی - نا چیز
۳۹	enhance	افزایش دادن - بالا بردن - تقویت کردن
۴۰	nuance	اختلاف نظر - فرق جزئی
۴۱	loathe	متنفر بودن از - بیزار
۴۲	reprimand	توبیخ - بازخواست کردن
۴۳	lackluster	خسته کننده - بی روح
۴۴	caustic	طعنه آمیز - حرف تند - نیشدار
۴۵	wrest	به زور گرفتن - پیچاندن - واداشتن
۴۶	infamous	بدنام - رسوا - انگشت نما - ننگین
۴۷	jostle	خوردن به - تنه زدن به - هل دادن
۴۸	dupe	آدم ساده لوح - فریب خورده
۴۹	incipient	آغازین - نخستین
۵۰	inadvertent	بی توجهی - بی دقت
۵۱	ominous	نحس - شوم - ترسناک
۵۲	tremulous	مرتعش - لرزان - نگران
۵۳	repudiate	تکذیب - انکار کردن - رد کردن
۵۴	cessation	قطع - توقف - وقفه
۵۵	bristle	سیخ شدن - ترسیدن - عصبانی شدن
۵۶	euphemism	حسن تعبیر
۵۷	mundane	دنیوی - مادی
۵۸	incongruous	نا هماهنگ - ناسازگار
۵۹	condolence	تسلیت - همدردی - دلداری
۶۰	stipulate	شرط کردن - مشروط - قید کردن
۶۱	alacrity	شور و شوق - نشاط
۶۲	disdain	تحقیر - خوار
۶۳	belligerent	پرخاشگر - جنگ طلب - خصمانه
۶۴	intimidate	ترساندن - مرعوب کردن - تهدید کردن
۶۵	feint	حمله انحرافی - فریب - ترفند
۶۶	pugnacious	ستیزه جو - جنگجو
۶۷	promulgate	رسم اعلام کردن - اشاعه دادن - ترویج کردن
۶۸	brash	گستاخ - وقیح - بی ادب - پر رو
۶۹	scoff	مسخره کردن - تمسخر کردن
۷۰	belittle	تحقیر کردن - کوچک کردن
۷۱	tangible	قابل لمس - لمس شدنی
۷۲	aspirant	جاه طلب - بلند پرواز
۷۳	dregs	پس مانده - رسوب - تفاله
۷۴	frenzy	دیوانگی - جنون - شیدایی
۷۵	scurrilous	توهین آمیز - موهن
۷۶	rampant	شایع - بی امان - بی حد و حصر
۷۷	inane	احمقانه - ابلهانه
۷۸	ethics	اخلاق - اخلاقیات
۷۹	concur	موافق بودن - سازگار بودن
۸۰	clandestine	مخفیانه - سری - پنهانی

۸۱	flagrant	فاحش - آشکار - بی حیا - وقیح
۸۲	admonish	ملامت - هشدار دادن - اخطار دادن
۸۳	duress	فشار - تهدید - زور
۸۴	culprit	مجرم - مقصر
۸۵	inexorable	یک دنده - سر سخت - رام نشدنی
۸۶	egregious	فاحش - آشکار - نمایان
۸۷	distraught	شوریده - ناراحت - پریشان
۸۸	duplicity	دو رویی - دو رنگی - ریا
۸۹	acrimonious	تند - گزنده - تلخ
۹۰	paucity	کمبود - کمی
۹۱	elicit	بیرون کشیدن - در آوردن - استنباط کردن
۹۲	pernicious	مخرب - مضر - زیان بار - خطرناک
۹۳	tolerate	تحمل کردن - تاب آوردن
۹۴	construe	استنباط کردن - تعبیر کردن
۹۵	impunity	بخشودگی - مصونیت - معافیت
۹۶	effluent	ثروتمند - غنی - فراوان
۹۷	feasible	ممکن - عملی شدنی
۹۸	discern	تشخیص دادن - دیدن
۹۹	sally	شبیخون زدن - حمله کردن
۱۰۰	consternation	هراس - دلهره - ترس
۱۰۱	precocious	پیش افتاده - استثنایی
۱۰۲	perfunctory	سرسری - سطحی - فرمالیته
۱۰۳	chagrin	رنجش - تاسف - تلخ
۱۰۴	perverse	خود سر - لجوج
۱۰۵	deride	مسخره کردن - ریشخند زدن
۱۰۶	disparage	ناچیز - کوچک شمردن - تحقیر کردن
۱۰۷	laudable	ستوده - پسندیده - قابل ستایش
۱۰۸	fiasco	ناکامی - شکست - مایه ی آبرو ریزی
۱۰۹	masticate	جویدن
۱۱۰	eschew	دوری جستن از - پرهیز
۱۱۱	quell	سرکوب کردن - پایان دادن
۱۱۲	voluble	پر حرف - وراچ
۱۱۳	confidant	محرّم اسرار - راز دار
۱۱۴	obsolescence	کهنگی - زوال - از مد افتادگی
۱۱۵	dubious	مشکوک - مردد - دو دل
۱۱۶	implacable	سر سخت - مصمم - سازش ناپذیر
۱۱۷	paroxysm	هجوم - غلبه - حمله
۱۱۸	reprehensible	قابل سرزنش - سزاوار ملامت
۱۱۹	jurisdiction	حق قضاوت - اختیار - اختیارات قانونی
۱۲۰	skirmish	در گیر - زد و خورد - بگو مگو
۱۲۱	harass	اذیت کردن - به ستوه آمدن - مزاحم شدن
۱۲۲	monolithic	یکپارچه - منسجم - یکدست - سرسخت
۱۲۳	arbitrary	دلبخواهی - استبدادی - خود سرانه

۱۲۴	indigent	فقیر - تنگدست
۱۲۵	fray	دعوا - نزاع
۱۲۶	stymie	تو هچل انداختن - خنثی کردن - جلوگیری
۱۲۷	effigy	آدمک - تمثال - شمایل
۱۲۸	flout	مسخره کردن - تحقیر کردن
۱۲۹	cognizant	آگاه - مطلع - واقف به
۱۳۰	turbulent	متلاطم - خروشان - طوفانی
۱۳۱	terminate	پایان دادن - خاتمه دادن
۱۳۲	forthwith	فورا - بلافاصله - بی درنگ
۱۳۳	exacerbate	خشمگین - عصبانی
۱۳۴	revert	بازگشتن - برگشتن
۱۳۵	oust	بیرون کردن - اخراج کردن
۱۳۶	emaciated	لاغر - نحیف - ضعیف
۱۳۷	surge	هجوم آوردن - سرازیر شدن
۱۳۸	tranquil	آرام - راحت - بی دغدغه
۱۳۹	sanctuary	مکان مقدس - حرم - محل تحصن
۱۴۰	ascend	بالا رفتن - صعود کردن
۱۴۱	malnutrition	بد غذایی
۱۴۲	afflict	ناراحت کردن - رنج دادن
۱۴۳	besiege	محاصره کردن - احاطه کردن
۱۴۴	privation	محرومیت - فقر
۱۴۵	sinister	شوم - نحس
۱۴۶	ubiquitous	همه جا حاضر - همیشه موجود
۱۴۷	remote	دور دست - دور افتاده
۱۴۸	thwart	ایجاد مانع کردن برای - خنثی کردن - نقش بر آب کردن
۱۴۹	harbinger	طلیعه - پیام آور - منادی
۱۵۰	malignant	خطرناک - مهلک - کشنده
۱۵۱	excruciating	کشنده - عذاب آور - دیوانه کننده
۱۵۲	respite	استراحت - امان - مهلت
۱۵۳	fretful	نگران - مضطرب - ناراحت
۱۵۴	succumb	تسلیم شدن - به زانو در آمدن
۱۵۵	impresario	مدیر گروه - مدیر اجرایی
۱۵۶	extortion	اخاذی - زورگویی
۱۵۷	adverse	مخالف - ناسازگار
۱۵۸	asset	دارایی - اموال - املاک - سرمایه
۱۵۹	bigot	متعصب - متحجر - کوتاه فکر
۱۶۰	blatant	وقیحانه - بی شرمانه
۱۶۱	entourage	همراهان - اطرافیان - دسته - گروه
۱۶۲	virulent	مهلک - کشنده - زهر آگین
۱۶۳	venom	زهر - سم - کینه - نفرت
۱۶۴	spew	بالا آوردن - استفراغ کردن - بیرون ریختن
۱۶۵	loath	بی میل - بیزار - مخالف
۱۶۶	solicit	درخواست کردن - تقاضا کردن

۱۶۷	astute	زرنگ - زبل - ناقلا - تیز
۱۶۸	advocate	حمایت کردن از - دفاع کردن از - جانبداری
۱۶۹	ineffectual	ناتوان - نالایق - بی عرضه
۱۷۰	scrutinize	دقیقا - با دقت - مو شکافانه
۱۷۱	nefarious	شریر - شرور - زشت - خلاف قانون
۱۷۲	amicable	دوستانه - مسالمت آمیز - صلح جویانه
۱۷۳	vexatious	مشکل آفرین - پر دردسر - مزاحم
۱۷۴	malady	بیماری - ناراحتی - درد
۱۷۵	inclement	نامساعد - بد - سرد - توفانی
۱۷۶	peruse	به دقت خواندن - مرور کردن
۱۷۷	premonition	دلشوره - پیش آگاهی - خبر - گواهی دل
۱۷۸	desist	دست کشیدن از - دست برداشتن از
۱۷۹	recoil	پس رفتن - عقب رفتن - لگد زدن
۱۸۰	pertinent	مربوط - مناسب - ذیربط - شایسته
۱۸۱	mastiff	سگ نگهبان
۱۸۲	obsess	آزار دهنده - ایجاد عقده روحی روانی - وسواس
۱۸۳	doleful	مانمزده - غمگین - غم انگیز
۱۸۴	wan	رنگ پریده - بیمار
۱۸۵	histrionics	تظاهر - رفتار ساختگی - ظاهر سازی
۱۸۶	elusive	دست نیافتنی - گریز پا - مبهم - پیچیده
۱۸۷	frustrate	نقش بر آب کردن - خنثی کردن - باطل کردن
۱۸۸	symptomatic	نشانه بیماری - حاکی از علائم مرض
۱۸۹	interject	گنجانیدن - گفتن - پیش کشیدن - مداخله کردن
۱۹۰	inert	بی حرکت - ساکن - سست
۱۹۱	salient	برجسته - مهم - اصلی
۱۹۲	imminent	قریب الوقوع - در شرف وقوع
۱۹۳	squeamish	حساس - زود رنج - نازک نارنجی - سخت گیر
۱۹۴	engross	مجذوب کردن - جلب کردن
۱۹۵	poignant	اندوه بار - دردناک - تاثیر انگیز - تکان دهنده
۱۹۶	inundate	زیر آب بردن - غرق کردن
۱۹۷	fruitless	بی بار - بی ثمر - بی نتیجه
۱۹۸	garbled	مغشوش - درهم برهم - تحریف شده
۱۹۹	sanguine	خوش بین - امیدوار - خوش بینانه
۲۰۰	phlegmatic	خویشترن دار - خونسرد - آرام
۲۰۱	corroborate	تایید کردن - اثبات کردن - تقویت کردن
۲۰۲	comprehensive	جامع - مفصل - کامل - فراگیر
۲۰۳	zealous	مشتاق - علاقه مند
۲۰۴	coerce	مجبور کردن - ناچار کردن - واداشتن
۲۰۵	elapse	گذشتن - سپری شدن
۲۰۶	meticulous	بسیار دقیق
۲۰۷	domicile	خانه - مسکن - منزل
۲۰۸	lax	آسان گیری - بی توجه - بی دقت
۲۰۹	sporadic	پراکنده - متفرق

۲۱۰	rash	عجولانه - شتابزده - نسنجیده
۲۱۱	conjecture	حدس - گمان - فرض
۲۱۲	obviate	برطرف کردن - مرتفع ساختن
۲۱۳	lurid	هولناک - تکان دهنده - ترسناک
۲۱۴	quip	لطیفه - بذله - متلک
۲۱۵	diatribe	تند - سخن تلخ - درشتی
۲۱۶	inhibition	کمرویی - خویشتن داری
۲۱۷	fortuitous	اتفاقی - تصادفی
۲۱۸	incoherent	فاقد انسجام - گسیخته - آشفته
۲۱۹	nominal	اندک - ناچیز - صوری - ظاهری
۲۲۰	expunge	حذف کردن - پاک کردن
۲۲۱	flamboyant	پر زرق و برق - رنگارنگ
۲۲۲	ilk	نوع - جور - قماش - دسته
۲۲۳	prestigious	معتبر - صاحب نام - بلند آوازه
۲۲۴	placard	شعار نوشته - پلاکارد - دیوار آویز
۲۲۵	integral	لازم - اساسی - ضروری
۲۲۶	remuneration	مزد - اجرت - دستمزد
۲۲۷	anathema	حکم تکفیر - لعن - مایه تنفر
۲۲۸	schism	شکاف - دودستگی - اختلاف
۲۲۹	utopia	مدینه فاضله - آرمان شهر - باکجا آباد
۲۳۰	truncated	کوتاه شده - مختصر شده - سانسور شده
۲۳۱	jaunty	شاد - سرحال - شنگول
۲۳۲	fractious	کج خلق - بد خلق - عبوس
۲۳۳	ostentatious	متظاهر - خودنما - نمایشی
۲۳۴	subjugate	مغلوب کردن - مقهور ساختن - شکست دادن
۲۳۵	ultimate	نهایی - غایی - آخرین
۲۳۶	eventuate	منجر شدن به - رخ دادن - اتفاق افتادن
۲۳۷	emit	بیرون دادن - خارج کردن - بیرون ریختن
۲۳۸	importune	مصرانه خواستن از - اصرار کردن به
۲۳۹	incontrovertible	بی چون و چرا - مسلم - غیر قابل انکار
۲۴۰	surreptitious	مخفیانه - پنهانی - دزدکی - یواشکی
۲۴۱	haven	پناهگاه - جای دنج - گوشه ی امن
۲۴۲	subterranean	زیر زمینی - مخفی - نهفته
۲۴۳	viable	عملی - ممکن - شدنی
۲۴۴	premise	فرض - مقدمه - قضا یا
۲۴۵	jeopardize	به مخاطره انداختن - به خطر انداختن
۲۴۶	incredulous	دیر باور - شکاک - حاکی از ناباوری
۲۴۷	permeate	فراگیر - پخش شدن - رخنه کردن
۲۴۸	propitious	مناسب - مساعد - خجسته - فرخنده
۲۴۹	surmise	حدس زدن - گمان بردن
۲۵۰	curtailn	کوتاه کردن - مختصر کردن - کاستن از
۲۵۱	repress	سرکوب کردن - واپس زدن - فرو خوردن
۲۵۲	eryptic	گیج کننده - مبهم - رمزی - سری - اسرار آمیز

۲۵۳	inchoate	تازه شکل گرفته - جوان - خام
۲۵۴	aspire	آرزو کردن - اشتیاق داشتن - خواستن
۲۵۵	inveigh	حمله کردن به - بد گفتن از - بد گویی کردن از
۲۵۶	nettle	رنجاندن - آزرده کردن - عصبانی کردن
۲۵۷	overt	آشکار - علنی - واضح
۲۵۸	relegate	پایین آوردن - تنزل دادن - منتقل کردن
۲۵۹	supine	به پشت خوابیده
۲۶۰	mammoth	عظیم - بسیار بزرگ - غول پیکر
۲۶۱	repulse	رد کردن - سرباز زدن - دفع کردن
۲۶۲	havoc	خرابی - ویرانی - خسارت
۲۶۳	raze	منهدم کردن - ویران کردن
۲۶۴	lothal	مهلک - کشنده - مرگبار
۲۶۵	scurry	دویدن - شتافتن
۲۶۶	incisive	برنده - گزنده - صریح - بی پرده - روشن
۲۶۷	precipitate	عجله کردن - تسریع کردن - جلو انداختن
۲۶۸	stereotype	کلیشه ای - گفتار تکراری
۲۶۹	stentorian	رسا - بسیار بلند
۲۷۰	singular	فوق العاده - خارق العاده - برجسته
۲۷۱	valor	شجاعت - دلیری
۲۷۲	bias	تعصب - پیش داوری - جبهه گیری
۲۷۳	accomplice	همدست - شریک جرم
۲۷۴	recant	توبه کردن از - اظهار ندامت کردن
۲۷۵	culpable	مقصر - مجرم - گناهکار
۲۷۶	abrogate	لغو کردن - باطل کردن - منسوخ کردن
۲۷۷	alleged	اظهار شده - ادعا شده - متهم
۲۷۸	sinecure	شغل - مقام تشریفاتی
۲۷۹	complicity	همدستی - تباری - شرکت
۲۸۰	liquidation	قتل - کشتن
۲۸۱	access	راه رسیدن - ورود - دسترسی - دستیابی
۲۸۲	invalidate	بی اعتبار کردن - باطل کردن
۲۸۳	preclude	مانع شدن - جلوگیری کردن از
۲۸۴	persevere	پشتکار داشتن - استقامت کردن - ادامه یافتن
۲۸۵	landmark	رویداد بزرگ - تاریخی - مهم - نقطه ی عطف
۲۸۶	extrinsic	بیرونی - خارجی - غیر ذاتی - غیر ضروری
۲۸۷	declaim	دکلمه کردن - با احساس سخن گفتن
۲۸۸	fetter	مقید کردن - محدود کردن - دست و پاگیر شدن
۲۸۹	paragon	الگو - سرمشق - نمونه عالی
۲۹۰	nomadic	عشیره ای - ایلپاتی - چادر نشینی - خانه به دوش
۲۹۱	asperity	خشونت - تندی - درشتی
۲۹۲	epithet	صفت - لقب - عنوان
۲۹۳	controversial	بحث انگیز - جنجالی - اختلاف
۲۹۴	indigenous	بومی - ذاتی - فطری - طبیعی
۲۹۵	gregarious	اجتماعی - معاشرتی - خونگرم

۲۹۶	habitat	زیستگاه - بوم
۲۹۷	cursory	سرسری - شتاب زده - سطحی
۲۹۸	interloper	مزاحم - فضول - نخود هر آش
۲۹۹	prolific	پر بار - پر کار - فعال
۳۰۰	bulwark	حافظ - محافظ - مدافع - نگهبان
۳۰۱	sedentary	نشستنی - نشسته - کم تحرک - بی تحرک
۳۰۲	frugal	صرفه جو - صرفه جویانه - مقتصدانه
۳۰۳	antithesis	نقطه ی متقابل - ضد - عکس - تضاد
۳۰۴	altruistic	نوع دوستانه - ایثار گرانه
۳۰۵	embellish	تزیین کردن - زینت دادن
۳۰۶	cache	مخفیگاه - نهانگاه
۳۰۷	coterie	محفل - حلقه - گروه
۳۰۸	cupidity	حرص - آز - طمع
۳۰۹	virtuosity	هنرمندی - مهارت - استادی
۳۱۰	temerity	جسارت - گستاخی - وقاحت
۳۱۱	amorous	عاشقانه - احساساتی - رمانتیک
۳۱۲	progeny	فرزندان - اولاد - بچه ها
۳۱۳	saturate	خیساندن - کاملاً خیس کردن - اشباع کردن
۳۱۴	perpetrate	مرتکب شدن - عمل زشت انجام دادن
۳۱۵	consummate	کامل - تمام عیار - تمام و کامل - ماهر
۳۱۶	subterfuge	بهانه - ترفند - تزویر - حيله
۳۱۷	concoct	سر هم کردن - جور کردن - از خود در آوردن
۳۱۸	fallacious	گمراه کننده - فریبنده - اشتباه
۳۱۹	manifold	متعدد - بسیار زیاد - متنوع
۳۲۰	assiduous	سخت کوش - کوشا - با پشتکار
۳۲۱	impeccable	بی عیب - بی نقص - کامل
۳۲۲	fraught	نگران کننده - دلهره آور
۳۲۳	resourceful	کاردان - با تدبیر - مبتکر
۳۲۴	murky	تاریک - تار - مبهم - غم انگیز - کثیف
۳۲۵	component	تشکیل دهنده - سازنده - مولفه - عنصر
۳۲۶	hoax	حقه - کلک - دروغ
۳۲۷	labyrinth	پیچ در پیچ - تو در تو - هزار تو
۳۲۸	evaluate	ارزیابی کردن - برآورد کردن - سنجیدن
۳۲۹	exult	ذوق کردن - شادی کردن
۳۳۰	attest	اثبات کردن - گواهی کردن - تصدیق کردن
۳۳۱	gullible	ساده لوح - ساده - هالو - زودباور
۳۳۲	deploy	مستقر شدن - موضع گرفتن - وارد میدان کردن
۳۳۳	enigma	معما - چیستان
۳۳۴	abortive	بیهوده - بی نتیجه - بی حاصل
۳۳۵	modify	تغییر مختصر دادن - اصلاح کردن
۳۳۶	accommodate	سازگار کردن با - وفق دادن با - سازگار شدن با
۳۳۷	spontaneous	خود جوش - خود به خود - خود انگیزه
۳۳۸	innate	ذاتی - فطری - خدادادی - مادر زاد

۳۳۹	veneer	پوشش - لایه - روکش
۳۴۰	myriad	تعداد زیادی - صدها - هزاران - میلیون ها
۳۴۱	urbane	مبادی آداب - با نزاکت - مودبانه
۳۴۲	crave	آرزوی چیزی را داشتن - مردن برای - خواستن
۳۴۳	irrelevant	نامربوط - بی ربط
۳۴۴	deem	معتقد بودن - انگاشتن - تصور کردن
۳۴۵	inherent	ذاتی - فطری
۳۴۶	buff	طرفدار - سینه چاک - کشته مرده
۳۴۷	romp	بازی کردن - جست و خیز کردن - ورجه ورجه کردن
۳۴۸	latent	پنهان - نهان - خفته
۳۴۹	tortuous	پر پیچ و خم - پیچ در پیچ - مارپیچ
۳۵۰	itinerant	دوره گرد - سیار
۳۵۱	peregrination	مسافرت - سفر
۳۵۲	conjugal	زناشویی - زن و شوهر
۳۵۳	barometer	فشار سنج - جو سنج
۳۵۴	amnesty	عفو عمومی - عفو
۳۵۵	expatriate	مهاجر - مقیم
۳۵۶	expatriate	تبعید کردن
۳۵۷	exonerate	تبرئه کردن - مبرا کردن - بی گناه دانستن
۳۵۸	fiat	حکم - فرمان - دستور
۳۵۹	mendacious	دروغ - نادرست - بی اساس - کاذب
۳۶۰	megalomania	خود بزرگ بینی
۳۶۱	profligate	اسراف کارانه - بی رویه - بی حیا - بی شرم - فاسد
۳۶۲	strife	درگیری - کشمکش - نزاع - مبارزه
۳۶۳	legion	لشکر - تعداد زیادی - انبوه
۳۶۴	coup	کودتا - ضربه ی کاری - اقدام قاطع
۳۶۵	parsimonious	خسیس - ممسک - بخیل
۳۶۶	pecuniary	مادی - مالی - پولی
۳۶۷	dismantle	باز کردن - پیاده کردن - اوراق کردن
۳۶۸	sumptuous	مجلل - شاهانه - باشکوه - فاخر
۳۶۹	underwrite	پشت نویسی کردن - امضا کردن
۳۷۰	restrictive	محدود کننده - بازدارنده
۳۷۱	balk	دو دل بودن - پا پس کشیدن - نپذیرفتن
۳۷۲	blunt	رک - بی پرده - صریح
۳۷۳	nostalgia	حسرت گذشته - غم غربت - احساس غربت
۳۷۴	rife	شایع - رایج - گسترده - متداول
۳۷۵	revile	دشنام دادن به - ناسزا گفتن به - عیب گویی کردن از
۳۷۶	reviled	منفور
۳۷۷	derogatory	اهانت آمیز - توهین آمیز - موهن
۳۷۸	indict	اعلام جرم کردن علیه - متهم کردن به
۳۷۹	nebulous	مغشوش - درهم برهم - آشفته
۳۸۰	pesky	مزاحم - مودی - ناخوشایند
۳۸۱	redolent	خوشبو - معطر

۳۸۲	repose	حالت استراحت - خواب - آرامش
۳۸۳	omnivorous	همه چیز خوار - همه چیز دوست
۳۸۴	disparate	متفاوت - مختلف - بی شباهت - ناهمخوان
۳۸۵	abstemious	صرفه جو - اعتدال گر - معتدل - میانه رو
۳۸۶	extant	موجود - باقی - بازمانده
۳۸۷	vicissitude	فراز و نشیب - ناملایمات - پستی و بلندی
۳۸۸	edifice	عمارت - بنای مجلل
۳۸۹	sultry	دم کرده - گرم و مرطوب - شرجی
۳۹۰	trenchant	قاطع - کوبنده - قوی - صریح - بی پرده
۳۹۱	puissant	مقتدر - قوی - با نفوذ
۳۹۲	unabated	سیری ناپذیر - کاهش پذیر - بی وقفه ادامه دادن
۳۹۳	maudlin	احساساتی - دلنگ - سوزناک
۳۹۴	levity	سبک سری - لودگی - دمدمی مزاجی
۳۹۵	lugubrious	غم انگیز - حزن انگیز - ماتمزه
۳۹۶	scion	فرزند - نو - نهال - تازه
۳۹۷	indoctrinate	تلقین کردن - القا کردن - شست و شوی مغزی - یاد دادن
۳۹۸	opulence	ثروت - دارایی - ارزش - ناز و نعمت
۳۹۹	fulsome	اغراق آمیز - مبالغه آمیز - بیش از حد
۴۰۰	lush	تجملی - لوکس - مجلل
۴۰۱	destitution	فقر - تهیدستی - بینوایی
۴۰۲	ponder	تامل کردن درباره - اندیشیدن به - فکر کردن
۴۰۳	supplication	التماس - درخواست
۴۰۴	decadence	سقوط - زوال - پوسیدگی - فساد
۴۰۵	penance	توبه
۴۰۶	ascetic	زاهد - پارسا - پرهیزکار
۴۰۷	bona fide	واقعی - اصلی - اصیل - با اصالت
۴۰۸	salvation	رستگاری - آمرزش - نجات
۴۰۹	materialism	ماده گرایی - مادی گری
۴۱۰	nurture	پرورش دادن - بزرگ کردن - به ثمر رساندن
۴۱۱	nirvana	آرامش ابدی - سعادت ابدی
۴۱۲	juxtapose	کنار هم گذاشتن - پهلوی هم گذاشتن
۴۱۳	plight	وضعیت اسفناک - مشکل - گرفتاری
۴۱۴	covert	پنهانی - مخفی
۴۱۵	cope	از عهده برآمدن - حریف شدن - کنار آمدن با
۴۱۶	incompatibility	ناسازگار - مغایرت - ناهماهنگی
۴۱۷	incapacitate	عاجز کردن - ناتوان کردن - سلب صلاحیت کردن
۴۱۸	fabricate	جعل کردن - ساختن - سر هم کردن
۴۱۹	connubial	زناشویی - زن و شوهری - همسری
۴۲۰	demur	مخالفت - اعتراض کردن - تردید کردن
۴۲۱	appellation	نام - عنوان - لقب
۴۲۲	escalation	افزایش - گسترش - تشدید
۴۲۳	indifference	بی اعتنائی - بی تفاوتی - بی علائقی
۴۲۴	potential	استعداد - ظرفیت - توانایی - بالقوه

۴۲۵	comulative	فزاینده - روبه افزایش - متراکم - اضافی
۴۲۶	recondite	مشکل - پیچیده - اسرار آمیز - مبهم
۴۲۷	palliate	آرام کردن - تسکین دادن
۴۲۸	delude	فریب دادن - گمراه کردن - گول زدن
۴۲۹	prelude	مقدمه - سرآغاز - پیش در آمد
۴۳۰	chimerical	خیالی - موهوم - غیر واقعی
۴۳۱	acknowledge	اعتراف کردن - تأیید کردن - قبول کردن
۴۳۲	heterogeneous	نامتجانس - ناهمگن - ناجور
۴۳۳	gamut	طیف - گسترده - اشکال مختلف
۴۳۴	perspicacious	زیرک - باهوش - با ذکاوت - با بصیرت
۴۳۵	analogous	قابل قیاس - هم تراز - شبیه
۴۳۶	maladjusted	ناسازگار - نامیزان
۴۳۷	phenomenon	پدیده - خارق العاده
۴۳۸	mortality	فناپذیری - میرندگی - تلفات
۴۳۹	decade	دهه - ده سال
۴۴۰	susceptible	حساس - آسیب پذیر - احساساتی - مستعد
۴۴۱	neurotic	عصبی - روان رنجور - وسواسی
۴۴۲	pedagogue	معلم - آموزگار
۴۴۳	enunciate	تلفظ کردن - ادا کردن - بیان کردن
۴۴۴	inordinate	بیش از حد - بی شمار
۴۴۵	irascible	تندخو - عصبی
۴۴۶	introspective	درون نگر - خودکاو
۴۴۷	perpetuate	ادامه دادن - تداوم بخشیدن
۴۴۸	mandate	حکم - فرمان - دستور
۴۴۹	compensatory	ترمیمی - جبرانی - به عنوان خسارت
۴۵۰	neutralize	خنثی کردن - بی اثر کردن - بی طرف اعلام کردن
۴۵۱	anthropologist	انسان شناس - مردم شناس
۴۵۲	bizarre	عجیب و غریب - غیر عادی - باور نکردنی
۴۵۳	inanimate	بی جان - فاقد حیات - بی روح - مرده
۴۵۴	fetish	بت - شی جادویی
۴۵۵	artifact	مصنوعی - دست ساخت - دست ساز
۴۵۶	taboo	تحریم شده - منع شده - حرام
۴۵۷	imprudent	بی احتیاط - بی فکر - نسنجیده - عجولانه
۴۵۸	prohibition	منع - بازداری - ممنوعیت - تحریم
۴۵۹	imperative	ضروری - لازم - واجب - اجباری
۴۶۰	taint	فساد - آلودگی - خراب کردن
۴۶۱	universal	همگانی - عمومی - کلی - جهانی
۴۶۲	contemptuous	تحقیر آمیز - موهن - اهانت آمیز
۴۶۳	absurd	پوچ - بی معنی - مسخره - مزخرف
۴۶۴	bigot	کوته فکر - شخص متعصب
۴۶۵	abhor	متنفر بودن از - نفرت داشتن از
۴۶۶	vulnerable	آسیب پذیر - ضعیف - حساس
۴۶۷	entreaty	خواهش و تمنا - درخواست - التماس

۴۶۸	tradition	سنت - رسم - رسوم - آداب
۴۶۹	originate	نشئت گرفتن - ریشه داشتن - آغاز شدن
۴۷۰	inviolable	مقدس - محترم - تخطی ناپذیر
۴۷۱	awesome	مهیب - ترسناک - مخوف
۴۷۲	eruption	فوران - غلیان - درگیری
۴۷۳	puny	ضعیف - نحیف - فسقلی - ریزه میزه
۴۷۴	debris	آت و اشغال - ویرانه ها - خاکسترها
۴۷۵	disperse	پخش کردن - پراکنده کردن - متفرق کردن
۴۷۶	obliterate	محو کردن - نابود کردن
۴۷۷	deplorable	اسفناک - تاسف انگیز - بسیار بد
۴۷۸	initiate	شروع کردن - آغاز کردن - راه انداختن
۴۷۹	conflagration	حریق بزرگ - آتش سوزی عظیم
۴۸۰	rue	تاسف خوردن از - افسوس خوردن از - پشیمان شدن از
۴۸۱	congenial	همدل - همدم - دلسوز
۴۸۲	board	ذخیره کردن - جمع کردن - اندوختن
۴۸۳	sage	خردمند - فرزانه - دانا - هوشمند
۴۸۴	aegis	حمایت - پشتیبانی
۴۸۵	detriment	زیان - ضرر - آسیب
۴۸۶	longevity	عمر طولانی - طول عمر
۴۸۷	imbibe	توشیدن - آشامیدن - مشروب
۴۸۸	virile	مردانه - نیرومند - قوی - پرتوان
۴۸۹	senile	پیر - فرتوت - خرف
۴۹۰	dodder	لرزیدن - لنگان لنگان رفتن - مرتعش
۴۹۱	lethargic	خسته - کسل - سست - خواب آلود - سنگین
۴۹۲	prevalent	رایج - متداول - فراگیر - شایع
۴۹۳	paramount	مهم - بسیار مهم - عالی - فوق العاده
۴۹۴	remiss	بی توجه - بی دقت - سهل انگار
۴۹۵	hostile	خصمانه - دشمن - متخاصم
۴۹۶	rebuke	توبیخ - مواخذه - سرزنش
۴۹۷	aversion	بیزاری - نفرت - تنفر
۴۹۸	vogue	مد - مورد پسند - مد بودن - باب
۴۹۹	superficial	سطحی - در سطح کم عمق - سطحی
۵۰۰	jettison	دور ریختن - بیرون ریختن - کنار گذاشتن
۵۰۱	lucrative	سود آور - پر منفعت - پر سود
۵۰۲	tussle	کشمکش - مجادله - نزاع
۵۰۳	intrinsic	ذاتی - اصلی - باطنی - طبیعی
۵۰۴	acute	حاد - بحرانی - شدید
۵۰۵	gist	لب مطلب - اصل موضوع - نکات مهم
۵۰۶	transient	گذرا - زودگذر - موقت - بی ثبات
۵۰۷	terse	کوتاه - فشرده - مختصر
۵۰۸	cogent	محکم - استوار - قاطع
۵۰۹	pinnacle	اوج - نقطه اوج - قله
۵۱۰	array	صف - ردیف - ترتیب - آرایش

۵۱۱	obscure	مبهم - گنگ - ناشناخته - گمنام
۵۱۲	ardent	گرم - سوزان
۵۱۳	culminate	منتهی شدن به - انجامیدن به
۵۱۴	constrict	محدود کردن - مقید کردن - جمع کردن
۵۱۵	prodigy	اعجوبه - نابغه - پدیده شگفت
۵۱۶	bereft	بی بهره
۵۱۷	falter	به تردید افتادن - مردود بودن - تزلزل نشان دادن
۵۱۸	exultation	خوشحالی - شادی - وجد - شمع
۵۱۹	vitriolic	خصمانه - تلخ - گزنده - نیشدار
۵۲۰	invective	ناسزا - دشنام - فحش
۵۲۱	besmirch	لوث کردن - لکه دار کردن - کثیف کردن
۵۲۲	voluminous	حجیم - بزرگ - زیاد - فراوان
۵۲۳	retrospect	بازنگری - با نگاهی به گذشته
۵۲۴	egotist	خودخواه - خود پرست - خود ستا
۵۲۵	humility	فروتنی - تواضع - خضوع
۵۲۶	pungent	تند - تیز - گزنده - نیشدار - تلخ
۵۲۷	inveterate	ریشه دار - دیرینه - قهار - باسابقه
۵۲۸	adamant	قاطع - سرسخت - قاطعانه
۵۲۹	vulnerable	آسیب پذیر - شکننده - حساس - ضعیف
۵۳۰	bedlam	آشفته بازار - حمام زنانه - شلوغی - بازار شام
۵۳۱	eacophony	ناهمگونی - بدآوایی - گوشخراش
۵۳۲	exploit	بهره برداری کردن از - بهره کشی از
۵۳۳	propinquity	نزدیکی - مجاورت
۵۳۴	disgruntled	ناراضی - ناخشنود - دماغ
۵۳۵	infallible	خطا ناپذیر - معصوم - بی گناه
۵۳۶	panacea	نوشدارو - داروی همه دردها
۵۳۷	eradicate	ریشه کن کردن - از بین بردن - نابود کردن
۵۳۸	impede	جلوگیری کردن از - مانع شدن - سد راه شدن
۵۳۹	sedate	موقر - متین - آرام - با وقار
۵۴۰	equanimity	آرامش - متانت - خویشتن داری - بردباری
۵۴۱	compatible	سازگار - هماهنگ - جور - متناسب
۵۴۲	serenity	آرامش - سکوت - صفا
۵۴۳	revere	احترام قائل شدن - حرمت گذاشتن - تقدیر کردن
۵۴۴	irrational	غیر منطقی - نامعقول - پوچ - بی معنی
۵۴۵	avarice	حرص - طمع - آز - مال پرستی
۵۴۶	insatiable	سیری ناپذیری - ارضا نشدنی
۵۴۷	nadir	پایین ترین حد - نهایت افت
۵۴۸	moribund	مشرف به موت - دم مرگ - رو به نابودی
۵۴۹	lithe	انعطاف پذیر - چابک - فرز
۵۵۰	obese	فربه - بسیار چاق
۵۵۱	adherent	هوادار - طرفدار - مرید - پیرو
۵۵۲	bliss	سعادت - خوشبختی - لذت - شادکامی
۵۵۳	pathetic	غم انگیز - رقت انگیز - اسف بار - غیر قابل قبول

۵۵۴	exhort	تشویق کردن - ترغیب کردن - توصیه کردن
۵۵۵	apathy	بی تفاوتی - بی علاقه‌گی - دل‌مردگی - سردی
۵۵۶	fracas	دعوا - کتک کاری - جر و بحث - جال و جنجال
۵۵۷	inebriated	مست - سر مست - شنگول - شاد
۵۵۸	adversary	حریف - رقیب - دشمن - مخالف
۵۵۹	indolent	تنبل - سست - بی حال
۵۶۰	gusto	شور و شوق - حرارت - عشق - لذت
۵۶۱	garrulous	پر حرف - پرچانه - وراج
۵۶۲	banal	پیش پا افتاده - مبتذل - عادی - لوس - خسته کننده
۵۶۳	platitude	حرف معمولی - حرف کلیشه ای - حرف مبتذل
۵۶۴	pique	آزدگی - دلخوری - رنجش - خشم
۵۶۵	dilettante	آماتور - مبتدی - ناشی
۵۶۶	atypical	غیر عادی - غیر معمول - عجیب
۵۶۷	nondescript	بی هویت - نامشخص
۵۶۸	wane	در حال کاهش - در حال افول
۵۶۹	extinct	منقرض - منهدم - نابود
۵۷۰	idyllic	خوش و خرم - با صفا - آرام - ساده
۵۷۱	galvanize	برانگیختن - تحریک کردن - به هیجان آوردن
۵۷۲	encumbrance	وبال گردن - مایه ی دردسر - مزاحم
۵۷۳	gaudy	زرق و برق - رنگ وارنگ - براق
۵۷۴	condescend	لطف کردن - منت گذاشتن
۵۷۵	candor	صداقت - صراحت - رک گویی
۵۷۶	mortify	خجالت دادن - سرافکننده کردن - شرمنده کردن
۵۷۷	jocose	خنده دار - شوخی آمیز - شاد - بذله گو
۵۷۸	malign	بد گویی کردن از - تهمت زدن به - غیبت کردن
۵۷۹	omnipotent	مقتدر - قدرتمند - قادر مطلق
۵۸۰	zenith	اوج - نقطه ی اوج
۵۸۱	fledgling	نوپا - تازه کار - بی تجربه - ناشی
۵۸۲	peremptory	مستبد - تحکیم آمیز - قاطع
۵۸۳	precedent	سابقه - پیشینه - سنت - رسم
۵۸۴	wheedle	چرب زبانی کردن - چاپلوسی کردن
۵۸۵	rustic	روستایی - دهاتی
۵۸۶	jubilant	شاد - سرمست - شادمان - خوشحال
۵۸۷	decorum	ادب - نزاکت - لیاقت
۵۸۸	charlatan	شبیاد - شارلاتان - دکتر قلابی
۵۸۹	heresy	بدعت - خروج از دین
۵۹۰	prudent	محتاط - دور اندیش - عاقلانه - سنجیده
۵۹۱	ostensible	ظاهری - صوری - آشکار - نمایان
۵۹۲	fervid	مشتاق - پر شوق - پر حرارت - پر احساس - داغ
۵۹۳	spurious	کاذب - بی اساس - تقلبی - قلابی - جعلی
۵۹۴	propagate	اشاعه دادن - ترویج دادن - پخش کردن
۵۹۵	anomaly	بی قاعده - نا بهنجاری - خلاف قاعده
۵۹۶	innocuous	بی خطر - بی ضرر - بی آزار

۵۹۷	surfeit	زیادی - فراوانی - انبوه - یک عالمه
۵۹۸	milieu	محیط اجتماعی - محیط فرهنگی
۵۹۹	strident	گوش خراش - تیز - خشن - سرسخت
۶۰۰	concomitant	ملازم - همراه - توأم - مقارن - هم زمان
۶۰۱	lassitude	خستگی - رخوت - بی حوصلگی - ضعف
۶۰۲	deleterious	مضر - زیان بار - زیان بخش
۶۰۳	efficacy	تاثیر - اثر بخش - فایده - سودمندی - کارآیی
۶۰۴	dissent	مخالفت کردن - اختلاف داشتن - توافق نداشتن
۶۰۵	ferment	شورش - نا آرامی - طغیان - آشوب
۶۰۶	attenuate	ضعیف کردن - ضعیف شدن - نحیف شدن
۶۰۷	attenuated	ضعیف
۶۰۸	arbiter	داور - حکم - میانجی - قاضی
۶۰۹	incumbent	واجب - ناگزیر - لازم
۶۱۰	profound	عمیق - ژرف
۶۱۱	alleviate	سبک کردن - تخفیف دادن - کم کردن
۶۱۲	prodigious	عظیم - فوق العاده - چشمگیر - اعجاب آور
۶۱۳	expedite	تسریع کردن - پیش بردن - تسهیل کردن
۶۱۴	celerity	چابکی تحرک - فرزی - سرعت
۶۱۵	usurp	غصب کردن - به ناحق گرفتن - به زور گرفتن
۶۱۶	paltry	جزئی - اندک - خیلی کم - بی ارزش
۶۱۷	condone	بخشیدن - عفو کردن - نادیده گرفتن
۶۱۸	trivial	جزئی - ناچیز - پیش پا افتاده
۶۱۹	bizarre	عجیب و غریب - شگفت - باور نکردنی
۶۲۰	menial	حقیر - بی اهمیت - پست - چاکر - نوکر
۶۲۱	venerable	محترم - ارجمند - گرامی
۶۲۲	extraneous	نامربوط - بی ربط - خارجی - بیرونی
۶۲۳	ambiguous	مبهم - گنگ - دوپهلو - نامشخص
۶۲۴	succinct	کوتاه - مختصر - فشرده
۶۲۵	archaic	منسوخ - مهجور - قدیمی
۶۲۶	emulate	رقابت کردن با - برتری جستن با - هم چشمی کردن با
۶۲۷	facetious	شوخی خنده دار - طنز آمیز - گزنده - بذله گو
۶۲۸	rabid	متعصب - افراطی - خشک مغز - دیوانه
۶۲۹	salubrious	سالم - پاکیزه - آبرومند - خوش نام
۶۳۰	complacent	از خود راضی - خود پسند - مغرور - مغرورانه
۶۳۱	somber	عبوس - دماغ - گرفته - غمگین
۶۳۲	debilitate	تضعیف کردن - ناتوان کردن - رنجور کردن
۶۳۳	impetuous	عجولانه - شتابزده - نسنجیده
۶۳۴	occult	پنهان - فراطبیعی - اسرار آمیز - سری
۶۳۵	discreet	عاقل - با بصیرت - محتاط - رازدار - تودار
۶۳۶	foment	ایجاد کردن - به راه انداختن - بر پا کردن
۶۳۷	glean	جمع آوری کردن - گرد آوردن - به دست آوردن
۶۳۸	quarry	شکار - طعمه - معدن سنگ
۶۳۹	slovenly	شلخته - ژولیده - نامرتب

۶۴۰	abjure	ترک کردن - کنار گذاشتن - دست کشیدن از
۶۴۱	reproach	سرزنش کردن - انتقاد کردن - مواخذه کردن
۶۴۲	penitent	پشیمان - نادم - متاسف - توبه کار
۶۴۳	evanescent	زود گذر - گذرا - ناپایدار - فانی
۶۴۴	tantamount	در حکم - برابر - معادل - به منزله
۶۴۵	propensity	کشش - گرایش - میل - تمایل - رغبت
۶۴۶	wary	محتاط - مواظب - مراقب - نگران
۶۴۷	allay	آرام کردن - تسکین دادن - رفع کردن - برطرف کردن
۶۴۸	deter	منصرف کردن - مانع شدن - بازداشتن
۶۴۹	connoisseur	خبیره - وارد - متخصص
۶۵۰	۳۴th week	هفته سی و چهارم
۶۵۱	site	محل - جا - زمین
۶۵۲	vigil	شب زنده داری - احیا - بیدار ماندن
۶۵۳	cumbersome	پر زحمت - پر دردسر - دست و پا گیر
۶۵۴	interrogate	سوال کردن از - توضیح خواستن از - بازجویی کردن
۶۵۵	divulge	افشا کردن - فاش کردن - برملا کردن
۶۵۶	fluctuate	نوسان داشتن - بالا و پایین رفتن - افت و خیز کردن
۶۵۷	unmitigated	مطلق - محض - کامل - تمام عیار
۶۵۸	commodious	جا دار - فضا دار - بزرگ - وسیع
۶۵۹	antiquated	کهنه - قدیمی - از مد افتاده - منسوخ
۶۶۰	disheveled	ژولیده - آشفته - نا مرتب - نا منظم
۶۶۱	tenacious	سفت - محکم - سر سخت - یک دنده - قوی
۶۶۲	facade	نما - ظاهر - صورت - ظاهر سازی
۶۶۳	asinine	ابله - احمق - نادان - احمقانه
۶۶۴	grimace	اخم - اخم و تخم - قیافه - شکلک - ادا
۶۶۵	calumny	افترا - تهمت - بهتان
۶۶۶	pittance	حقوق ناچیز - حقوق بخور و نمیر - شندر غاز
۶۶۷	au courant	مطلع - با خبر - در جریان روز - جدید - مدرن
۶۶۸	fastidious	سخت گیر - مشکل پسند - وسواسی - ایرادی
۶۶۹	noisome	ناراحت کننده - زننده - مشمئز کننده - نفرت انگیز
۶۷۰	unkempt	بههم ریخته - ژولیده - نا مرتب - نا منظم
۶۷۱	parable	حکایت - قصه - داستان - تمثیل
۶۷۲	whimsical	خنده دار - مضحک - طنز آمیز - شوخی آمیز
۶۷۳	lampoon	مسخره کردن - ریشخند زدن
۶۷۴	countenance	تحمل کردن - صحنه گذاشتن بر - حمایت کردن
۶۷۵	sanctimonious	مقدس نما - مقدس - زاهد
۶۷۶	equanimity	آرامش - ملایمت - متانت - خویشتن داری
۶۷۷	effrontery	گستاخی - جسارت - وقاحت - پر رویی - بی شرمی
۶۷۸	nonentity	آدم بی کفایت - آدم حقیر - هیچ کاره
۶۷۹	flabbergasted	هاج و واج - مات و مبهوت - انگشت به دهان
۶۸۰	debacle	شکست کامل - سقوط - فروپاشی - ویرانی
۶۸۱	vivacious	شاد - سر زنده - با نشاط - پر شور
۶۸۲	gaunt	لاغر - نحیف

۶۸۳	mien	ظاهر - حالت - قیافه - چهره
۶۸۴	hirsute	پر مو - مو دار - پشمالو - ژولیده مو
۶۸۵	refute	رد کردن - باطل کردن
۶۸۶	pensive	فکور - غرق در فکر - متفکرانه
۶۸۷	whet	برانگیختن - تحریک کردن - ترغیب کردن - هوس انداختن
۶۸۸	stupor	گیجی - منگی - بیهوشی - بی حسی
۶۸۹	wince	اخم کردن - چهره در هم کشیدن - یکه خوردن
۶۹۰	cliche	کلیشه - حرف قالبی - حرف تکراری - حرف مبتذل
۶۹۱	genre	نوع - گونه - اثر
۶۹۲	candid	رک و راست - صاف و پوست کنده - صادق - صادقانه
۶۹۳	unsavory	ناخوشایند - بد - زشت - ناشایست - نادرست
۶۹۴	degrade	تحقیر کردن - کوچک کردن - خوار کردن - ضایع کردن
۶۹۵	venial	قابل بخشش - بخشودنی - قابل اغماض - قابل گذشت
۶۹۶	epitome	مظهر - نمونه - تجلی - جوهر - عصاره
۶۹۷	dexterity	مهارت - چیره دستی - چالاکی - چابکی - تیز هوشی
۶۹۸	grotesque	مضحک - مسخره - خنده دار - عجیب و غریب - شنیع - زشت
۶۹۹	compassion	همدردی - دلسوزی - شفقت - غمخواری - رحم
۷۰۰	repugnant	نفرت انگیز - تهوع آور - مشمئز کننده
۷۰۱	acme	اوج کمال - اوج - نهایت - حد اعلای
۷۰۲	copious	فراوان - زیاد - مفصل - بسیار - پر کار
۷۰۳	vehemently	به تندی - به شدت - قاطعانه - شدیداً
۷۰۴	depict	توصیف کردن - شرح دادن - نشان دادن - مجسم کردن
۷۰۵	naive	ساده - زود باور - معصوم - پاک - بی آرایش
۷۰۶	perfidious	جفاکار - غدار - پیمان شکن - بی وفا
۷۰۷	covet	مشتاق بودن - آرزوی چیزی را داشتن - چشم طمع داشتن
۷۰۸	ingratiate	خود شیرینی کردن - چاپلوسی کردن - دل به دست آوردن
۷۰۹	penury	فقر - تنگدستی - تهی دستی
۷۱۰	ignominious	شرم آور - ننگین - خفت بار - فضاخت بار
۷۱۱	confront	مواجه شدن به - روبرو شدن با - روبرو کردن با
۷۱۲	antipathy	تنفر - انزجار - بیزاری - ضدیت - تضاد
۷۱۳	servile	نوکر صفت - شایسته نوکری - دون - پست
۷۱۴	volition	اختیار - درخواست - به خواست خود - به میل خود
۷۱۵	sojourn	اقامت موقت
۷۱۶	austere	پرهیزکار - پارسا - زهد - زاهدانه
۷۱۷	felicitous	شاد - شیرین - لذت بخش - مناسب - بجا - شایسته
۷۱۸	halcyon	خوب - آرام - خوش - شاد - به یاد ماندنی - روزگار خوش
۷۱۹	tenable	قابل دفاع - قابل قبول - باور کردنی - معقول
۷۲۰	superfluous	زیاد - زائد - مازاد
۷۲۱	motivate	برانگیختن - تشویق و ترغیب
۷۲۲	retionalize	توجیه کردن منطقی - معقول جلو دادن - عقلانی کردن
۷۲۳	therapy	درمان - معالجه - مداوا
۷۲۴	nascent	نو پا - نو بنیاد - نو ظهور - نو شکفته
۷۲۵	iconoclast	بت شکن

۷۲۶	erudite	فاضل - عالم - دانشمند
۷۲۷	phobia	هراس - ترس
۷۲۸	germane	مربوط - وابسته - مرتبط - مناسب - درخور
۷۲۹	vertigo	سرگیجه
۷۳۰	conducive	موجب - سرچشمه - منشا - مساعد - مناسب
۷۳۱	glib	چرب زبان
۷۳۲	homogenous	همگون - متشابه - همانند - همگن - متجانس
۷۳۳	malleable	انعطاف پذیر - پذیرا - سازگار - سر به راه
۷۳۴	legerdemain	تردستی - شعبده بازی - شیرین کاری
۷۳۵	trend	جهت حرکت - میل - تمایل - گرایش - روند
۷۳۶	stagnant	راکد - بی رونق - ساکن
۷۳۷	fatal	کشنده - مهلک - مرگبار - مخرب - خطرناک
۷۳۸	passe	کهنه - قدیمی - از مد افتاده
۷۳۹	procrastinate	تعلل کردن - مسامحه کردن - پوشت گوش انداختن
۷۴۰	facet	جنبه - وجه - بعد - سطح
۷۴۱	foist	قالب کردن - جا زدن - انداختن
۷۴۲	stigmatize	لکه دار کردن - بدنام کردن - بی آبرو کردن
۷۴۳	capitulate	تسلیم شدن - سر فرود آوردن
۷۴۴	audacity	جسارت - شجاعت - بی باکی - بی شرمی
۷۴۵	tantalize	عذاب کردن - اذیت کردن - کسی را دست انداختن
۷۴۶	retort	با تندی جواب دادن - با عصبانیت گفتن
۷۴۷	reticent	تودار - خوددار - کم حرف - ساکت - خاموش
۷۴۸	tacit	ضمنی - مفهوم
۷۴۹	chicanery	فریب کاری - شیادی - سفسطه - نقیض گوئی
۷۵۰	docile	سر به راه - رام - آرام - حرف شنو
۷۵۱	saga	حماسه - حماسه اسکاندویناوی - داستان حماسی بلند
۷۵۲	belated	بی موقع - با تاخیر - دیر هنگام - معوقه
۷۵۳	decrepit	فرتوت - شکسته - سالخورده - از کار افتاده
۷۵۴	imperturbable	آرام - خونسرد - خوددار
۷۵۵	vacillate	مردد بودن - تردید داشتن - دودل بودن
۷۵۶	staunch	وفادار - ثابت قدم - مصمم
۷۵۷	opprobrium	اهانت - سرزنش - نکوهش - تحقیر
۷۵۸	machiavellian	ترفند باز - حقه باز - حیله گر - نیرنگ بازانه
۷۵۹	unconscionable	شرم آور - خجالت آور - نامعقول
۷۶۰	pandemonium	آشوب - بی نظمی - غوغا - قشقرق
۷۶۱	flay	پوست کندن - گوشمالی دادن - غارت کردن - چاپیدن
۷۶۲	demeanor	رفتار - طرز رفتار - ژست - حالت
۷۶۳	delineation	ترسیم - توصیف - تشریح - توضیح
۷۶۴	vindicate	تبرئه کردن - توجیه کردن
۷۶۵	heinous	فجیع - شنیع - شریر - خبیث
۷۶۶	turpitude	فساد - عمل خلاف عفت - ابتدال - انحطاط
۷۶۷	infraction	نقض - شکستن - تخطی - تخلف - قانون شکنی
۷۶۸	callous	سنگ دل - بی رحم - بی عاطفه - بی رحمانه

۷۶۹	redress	جبران کردن - اصلاح کردن - چاره کردن
۷۷۰	vituperation	مذمت - ناسزاگویی - فحاشی - فحش - نکوهش
۷۷۱	rhetoric	بلاغت - سخنوری - خطابه - زبان بازی
۷۷۲	clique	جرگه - دارودسته - باند - فرقه - دسته
۷۷۳	extol	تحسین کردن - تمجید کردن - ستایش کردن - ستودن
۷۷۴	mentor	مشاور - معلم - مربی - استاد - مرشد
۷۷۵	facile	راحت - آسان - باد آورده - سهل الوصول - فصیح - روان
۷۷۶	cant	ریا - تزویر - دورویی
۷۷۷	magnanimous	بلند نظر - بخشنده - بزرگووار - سخاوتمند
۷۷۸	vilify	هتاک کردن به - توهین کردن به - بهتان زدن به
۷۷۹	elucidate	روشن کردن - توضیح دادن
۷۸۰	vapid	بی روح - ملامت بار - کسل کننده - بی مزه
۷۸۱	unwieldy	گنده - سنگین - بد هیكل
۷۸۲	proximity	نزدیکی - مجاورت - همسایگی
۷۸۳	lassitude	خستگی - ضعف - کسالت - بی حالی
۷۸۴	vitiate	خراب کردن - ضایع کردن - فاسد کردن - باطل کردن
۷۸۵	augment	افزایش دادن - افزودن - زیاد کردن - بهبود بخشیدن
۷۸۶	fatuous	ابلهانه - احمقانه - ابله - بی شعور - خرفت
۷۸۷	contort	درهم کشیدن - کج و معوج کردن - تحریف کردن
۷۸۸	repertoire	گنجینه - منبع - مخزن - مجموعه - خزانه - کلکسیون
۷۸۹	imperceptible	نا محسوس - آهسته - تدریجی - غیر قابل درک
۷۹۰	curry	چاپلوسی کردن - خودشیرینی کردن - خوش خدمتی کردن
۷۹۱	pall	خسته کننده - ملال آور
۷۹۲	succulent	آبدار - پر آب
۷۹۳	satiety	سیری - اشباع - به حد اشباع - دلزدگی
۷۹۴	intrinsic	درونی - باطنی - ذاتی - فطری
۷۹۵	potpourri	گلچین - گزیده - گزینہ - عطر گل
۷۹۶	sanction	تایید کردن - تصویب کردن - پذیرفتن - مجاز دانستن
۷۹۷	denote	دلالت کردن بر - معنی دادن - اشاره داشتن به
۷۹۸	allude	تلویحا گفتن - به طور ضمنی اظهار داشتن - اشاره کردن
۷۹۹	insidious	موظیانہ - مکارانه - خائنانہ - مکار - حیلہ گر
۸۰۰	propriety	ادب - نزاکت - اخلاق - رفتار صحیح
۸۰۱	advent	ظهور - پیدایش - حلول
۸۰۲	impious	کافر - بی دین - خدا شناس
۸۰۳	proffer	تقدیم - عرضه - پیشنهاد
۸۰۴	spate	هجوم - سیل - موج - رگبار
۸۰۵	shibboleth	بیان رایج - اسم رمز - عقیده پوسیده - شعار کهنه
۸۰۶	bogus	قلابی - ساختگی - دروغی - جعلی - بدلی
۸۰۷	substantiate	اثبات کردن - دلیل آوردن برای - مستند کردن
۸۰۸	nutritive	غذایی - تغذیه ای - مغذی
۸۰۹	raucous	گوش خراش - نخراشیده - ناهنجار - ناخوشایند
۸۱۰	quandary	شک - تردید - سردرگمی - بلاتکلیفی
۸۱۱	callous	سنگدل - بی عاطفه - بی رحم - بی احساس

۸۱۲	expedient	مناسب - صلاح - مصلحت - مصلحت آمیز
۸۱۳	negligible	اندک - ناچیز - جزئی - بی اهمیت - قابل چشم پوشی
۸۱۴	blase	بی اعتنا - بی تفاوت - خونسرد - دلزده - سیر
۸۱۵	ennui	خستگی - بی حوصلگی - احساس - بیهودگی
۸۱۶	comely	ملیح - قشنگ - جذاب - شایسته
۸۱۷	frenetic	جنون آمیز - دیوانه وار - هیجان زده
۸۱۸	artifice	مکر - حيله گری - شیادی - ترفند - حيله - حقه
۸۱۹	diversity	تنوع - گوناگونی - تعدد - اختلاف - تفاوت
۸۲۰	qualm	عذاب وجدان - دغدغه ی خاطر - دل نگرانی
۸۲۱	expurgate	تطهیر کردن - هرزه زدایی کردن - پاکسازی کردن
۸۲۲	begrudge	دریغ داشتن - غبطه خوردن - حسرت خوردن
۸۲۳	artless	بی آرایش - صاف و صادق - معصوم - ساده و طبیعی
۸۲۴	gratuity	انعام - پاداش - حق سنوات خدمت - مبلغ باز خرید
۸۲۵	manifest	آشکار - روشن - واضح - بدیهی
۸۲۶	delve	کند و کاو کردن - تحقیق کردن - بررسی کردن
۸۲۷	capricious	دمدمی - هوس باز - بوالهوس - ناپایدار
۸۲۸	requisite	لازم - ضروری - نیاز - شرط لازم
۸۲۹	replenish	دوباره تهیه کردن - دوباره تکمیل کردن
۸۳۰	roster	برنامه - فهرست - صورت اسامی - جدول نوبت
۸۳۱	stunt	بازداشتن از - مانع شدن
۸۳۲	stunted	از رشد باز مانده
۸۳۳	atrophy	تحلیل رفتن - ضعیف - لاغر شدن - پلاسیدن
۸۳۴	maim	معلول کردن - علیل کردن - ناقص کردن
۸۳۵	ameliorate	بهبود بخشیدن - اصلاح کردن - بهتر شدن
۸۳۶	cynic	بدبین - بد گمان - عیب جو
۸۳۷	unctuous	چاپلوسانه - متملقانه - تملق آمیز
۸۳۸	benevolent	نیک خواه - خیر خواه - خیر اندیش
۸۳۹	subservient	پست - مادون - چاپلوس - مطیع
۸۴۰	iniquity	ظلم - بی عدالتی - حق کشی - رذالت
۸۴۱	largess	گشاده دستی - سخاوت - بذل و بخشش
۸۴۲	criterion	معیار - ملاک - ضابطه - سنج - میزان - مقیاس
۸۴۳	repent	پشیمان شدن - افسوس خوردن - توبه کردن
۸۴۴	mollify	آرام کردن - فرونشاندن - کاهش دادن - دلجویی کردن
۸۴۵	mercenary	مادی - پولکی - پول دوست - طمعکار - مزدور
۸۴۶	pariah	منفور - از طبقه پست - آدم رانده شده
۸۴۷	aloof	دور - به کنار - کناره گیر - منزوی - گوشه گیر
۸۴۸	pragmatic	عملی - عمل گرایانه - واقع بینانه - واقع بین
۸۴۹	vestige	اثر - رد - نشان - باقیمانده - بقایا
۸۵۰	guise	کسوت - هیئت - ظاهر - سیما - قیافه
۸۵۱	nullify	فسخ کردن - باطل کردن - خنثی کردن - بی اثر کردن
۸۵۲	delug	سیل - طوفان - غرق کردن - آب گرفتن
۸۵۳	futility	بیهودگی - بی فایدهگی - پوچی - کار عبث
۸۵۴	carnage	قتل عام - خونریزی - کشت و کشتار - حمام خون

۸۵۵	technology	تکنولوژی - فناوری - فنی
۸۵۶	libel	افترا - هتک حرمت - بهتان - مایه ی آبروریزی
۸۵۷	defamatory	افترا آمیز - موهن - رسوا کننده - بد نام کننده
۸۵۸	plaintiff	شاکی - خواهان - مدعی
۸۵۹	canard	خبر دروغ - شایعه ی بی اساس - گزارش غلط
۸۶۰	deprecate	مخالفت کردن با - انتقاد کردن از - محکوم کردن
۸۶۱	reputed	شناخته شده - مشهور
۸۶۲	frail	شکنده - ظریف - ضعیف - کم بنیه
۸۶۳	potent	موثر - قوی - پر قدرت - محکم
۸۶۴	excoriate	سرنش کردن - ملامت کردن - به سختی انتقاد کردن
۸۶۵	devout	دین دار - مومن - متدین - با خدا - با اخلاص
۸۶۶	diminutive	ریز - ریز نقش - کوچک - کوچولو - فسقلی - نقلی
۸۶۷	profuse	فراوان - بی شمار - انبوه - بسیار - زیاد
۸۶۸	dulcet	ملایم - دلپذیر - گوش نواز
۸۶۹	impromptu	فی البداهه - بدون برنامه ریزی
۸۷۰	malevolent	بد خواهانه - بد اندیشه - مغرضانه - مودیانه
۸۷۱	wisful	آرزومند - مشتاق - خواهان - حسرت بار
۸۷۲	raiment	جامه - پوشش - لباس
۸۷۳	brigand	راهزن - سارق - دزد گردنه
۸۷۴	corpulent	فربه - چاق - تنومند
۸۷۵	rail	گله کردن از - شکایت کردن از - نالیدن از
۸۷۶	raconteur	قصه گو
۸۷۷	sullen	عبوس - بد عنق - گرفته - بد اخم
۸۷۸	rift	شکاف - چاک - اختلاف - دودستگی - نفاق
۸۷۹	emissary	سفیر - فرستاده مخصوص - پیک - قاصد
۸۸۰	ruminare	در فکر فرو رفتن - تامل کردن - ژرف اندیشی کردن
۸۸۱	taut	کشیده - سفت - منقبض - گرفته - مضطرب
۸۸۲	livid	عصبانی - خشمگین - بر افروخته
۸۸۳	martinet	آدم سخت گیر - آدم مقرراتی - آدم خشک
۸۸۴	yen	میل - علاقه - اشتیاق - آرزو
۸۸۵	bagatelle	چیز نا قابل - چیز بی مقدار - چیز بی ارزش
۸۸۶	callow	خام - بی تجربه - نا پخته - چشم و گوش بسته
۸۸۷	appalled	منزجر - بیزار - متنفر - شوکه - وحشت زده
۸۸۸	penchant	علاقه شدید - میل وافر - تمایل زیاد - رغبت
۸۸۹	decapitate	گردن زدن - سر بریدن - سر از تن جدا کردن
۸۹۰	termagant	سلیطه - پتیاره - داد و بیداد کردن
۸۹۱	ascertain	فهمیدن - پی بردن - دریافتن - روشن ساختن
۸۹۲	dormant	معلق - مسکوت - نهفته - بالقوه - غیر فعال
۸۹۳	burgeon	شکفتن - جوانه زدن - شکوفا شدن - رونق گرفتن
۸۹۴	potentate	فرمانروای مطلق - حاکم - پادشاه
۸۹۵	disseminate	پخش کردن - پراکندن - منتشر کردن - گسترش دادن
۸۹۶	derive	استخراج کردن - بیرون کشیدن - گرفتن - استنتاج کردن
۸۹۷	derived	اشتقاقی - مشتق شده

۸۹۸	prerogative	امتیاز - اختیار - حق قانونی - حق انحصاری
۸۹۹	nepotism	پارتی بازی
۹۰۰	dearth	کمبود - قحطی
۹۰۱	internecine	خانمان برانداز - خانمان سوز - خونین - مرگبار
۹۰۲	tyro	آدم بی تجربه - مبتدی - تازه کار - نو آموز
۹۰۳	sophistry	سفسطه - مغالطه - تحریف
۹۰۴	factitious	مصنوعی - ساختگی - غیر طبیعی
۹۰۵	encomium	ثنا - مدح - ستایش - تمجید - مدیحه
۹۰۶	obloquy	بی آبرویی - رسوایی - بی حرمتی - فحش - ناسزا
۹۰۷	hyperbole	مبالغه - اغراق
۹۰۸	munificent	سخاوتمند - بخشنده - کریم - گشاده دست
۹۰۹	prevarication	کتمان حقیقت - کلی بافی - لفاظی - طفره روی
۹۱۰	charisma	جذب - هیبت - جاذبه - ابهت - کرامت